

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد
اقامه نماز، مؤسسه‌ای عام‌المنفعه
و غیرانتفاعی بوده و کلیه
دارایی‌ها و درآمدهای آن متعلق
به ستاد اقامه نماز می‌باشد.

حق‌التألیف این اثر توسط
حجت‌الاسلام والمسلمین
محسن قرائتی، به منظور توسعه
و ترویج فرهنگ نماز، به ستاد
اقامه نماز اهداء شده است.

قطرہ از دریاے نماز

آشنایی با نماز به زبان ساده

برگرفته از آثار حجت الاسلام و المسلمین محسن قرانتی
گردآوری و تدوین: مهدی اسماعیل پور

فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
سیمای نماز.....	۱۱
امام رضا 7 و اهمیت نماز.....	۱۳
چرا نماز بخوانیم؟.....	۱۴
چگونه عبادت کنیم؟.....	۲۱
۱. آگاهانه باشد.....	۲۱
۲. عاشقانه باشد.....	۲۲
۳. خالصانه باشد.....	۲۲
۴. خاشعانه باشد.....	۲۲
معنای اقامه کردن نماز.....	۲۴
نماز جماعت.....	۲۶
رعایت ادب در نماز.....	۲۸
مصادیق سبک شمردن نماز.....	۳۰
عواقب اعراض از یاد خدا و سبک شمردن نماز.....	۳۲
یادگیری تلفظ صحیح حروف در نماز.....	۳۴
پاسخ به چند سؤال.....	۳۶

۱. مگر خداوند به تشکر ما نیاز دارد؟ ۳۶
 ۲. اگر بناست از نعمت‌های الهی تشکر کنیم، چرا ...؟ ۳۷
 ۳. تشکر در برابر نعمت‌ها درست، ولی آنکه در میان ...؟ ۳۸
 ۴. دلیل تقلید از مراجع دینی چیست؟ ۳۸
 ۵. چرا باید نماز را به زبان عربی بخوانیم؟ ۳۹
 ۶. چرا باید رو به قبله نماز می‌خوانیم؟ ۴۰
 ۷. دلیل تکرار نماز در هر شبانه روز چیست؟ ۴۱
 ۸. خدا که به همه محرم است، پس چرا در نماز، ...؟ ۴۱
 ۹. چرا وقتی که به تنهایی و فردای نیز نماز می‌خوانیم ۴۲
 ۱۰. چگونه قبولی تمام کارها، مشروط به قبولی یک ...؟ ۴۳
 ۱۱. چرا کشورهای نمازگزار در علم و صنعت و ...؟ ۴۳
 ۱۲. چگونه پاداش بعضی اعمال انسان، از حساب ...؟ ۴۵
 ۱۳. آیا حضور در نماز جماعت، نوعی مطرح کردن خود ...؟ ۴۶
 ۱۴. از کجا بفهمیم نمازمان قبول شده است یا نه؟ ۴۷
 ۱۵. حفظ نماز به چیست؟ ۴۸
 ۱۶. چگونه می‌توان از نماز برای حل مشکلات کمک گرفت؟ ۴۸
 ۱۷. چگونه نماز، فرد و جامعه را از فحشاء و منکر باز می‌دارد؟ ۴۹
 ۱۸. اگر نماز انسان را از فحشاء و منکر باز می‌دارد پس چرا عده‌ای با وجود اینکه نماز می‌خوانند باز گناه می‌کنند؟ ۵۲
 ۱۹. آخرین سخن ما با کسی که دین را نمی‌پذیرد و ...؟ ۵۳
- چند خاطره ۵۶**

- نماز اول وقت در حساس‌ترین وقت ۵۶
- شرط برای تفریح ۵۷
- نماز اول وقت ۵۷
- شهید رجایی و نماز اول وقت ۵۷
- نماز خواندن در سخت‌ترین شرایط ۵۸
- نماز اول وقت در اتاق ژنرال آمریکایی ۵۹

- ۶۳..... میوه، هرچه تازه‌تر بهتر
- ۶۳..... فرمانده‌ای که مکبر شد
- ۶۴..... دعوت دیگران به نماز
- ۶۵..... ربا یا نمایش بندگی خدا
- ۶۶..... چرا نماز صبح دو رکعت است؟
- ۶۷..... در محضر خدا با کُت پاره
- ۶۸..... سوالات
- ۷۲..... پاسخ‌نامه

مقدمه

در بحث نماز کتاب‌های زیادی نوشته شده که هر کدام ویژگی‌های مثبتی دارد اما کتابی که به زبان ساده نماز را بیان کند و به سؤالات و شبهات درباره آن پاسخ دهد، کمتر منتشر گردیده است. حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین قرائتی در چند سطح برای نماز کتاب‌های بسیار مفیدی را به رشته تحریر درآوردند که بخش عمده کتاب حاضر برگرفته از کتاب‌ها و مباحث ایشان است و در آن سعی شده بخشی‌هایی که برای عموم مردم مفید است به زبانی ساده آورده شود و به سؤالات و شبهات آنان درباره نماز پاسخ دهد.

برخی از کتب و آثار ایشان که در این کتاب از آنها استفاده شده عبارتست از:

۱. پرتوی از اسرار نماز
۲. یکصد و چهارده نکته درباره نماز

۳. شیوه‌های دعوت به نماز

۴. پرسش‌های مهم، پاسخ‌های کوتاه (تمثیلات)

۵. متن برنامه درس‌هایی از قرآن

همچنین از کتاب‌های زیر نیز در این مجموعه استفاده شده است:

۱. یکصد پرسش و پاسخ درباره نماز تألیف

مجتبی کلباسی

۲. قصه عاشقان (دعوت به نماز در سیره

شهیدان) تألیف سید حمید مشتاقی نیا

۳. خاطرات شهید بابایی

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از حمایت‌های

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی و جناب

آقای دکتر مظفر که در تهیه این اثر بسیار این

جانب را یاری نموده و از نظراتشان بهره‌مند

گشته‌ام تقدیر و تشکر نمایم.

امید است که این کتاب بتواند گامی را هر چند

کوچک در زمینه آشنایی عموم مردم خصوصاً نسل

نو با نماز بردارد.

مهدی اسماعیل پور
ستاد اقامه نماز
۹۶/۵/۷

سیمای نماز

نماز، برنامه هر صبح و شام است به هنگام صبح اولین کلام واجب نماز و به هنگام شام آخرین واجب، نماز است. پس آغاز و انجام هر روز با یاد خدا و برای خدا است.

نماز در سفر یا وطن، در زمین یا هوا، در فقر یا غنی، رمز آن است که در هر کجا هستی و هر که هستی مطیع او باشی نه غیر او.

نماز، استحکام بخشیدن به ارزش‌ها و جلوگیری از فروپاشی شخصیت افراد و اعضای جامعه است که اگر مصالح ساختمان سُست باشد، ساختمان فرو می‌ریزد.

نماز هم انجام معروف است هم نهی از منکر. هر روز در اذان و اقامه می‌گوییم «حَى عَلَى الصَّلَاةِ حَى عَلَى الْفَلَاحِ حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» که همه امر به

بالاترین معروف‌ها یعنی نماز است. از سوی دیگر نماز، انسان را از فساد و فحشاء بازمی‌دارد: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۱

نماز، پرچم اسلام است. «عَلَّمَ الْأِسْلَامَ الصَّلَاةَ»^۲ همانگونه که پرچم نشانه است، نماز نیز نشانه و علامت مسلمانی است. چنانکه پرچم مورد احترام است و اهانت به آن، اهانت به یک ملت و کشور است، اهانت و بی‌توجهی به نماز نیز بی‌توجهی به کلّ دین است. چنانکه برپا بودن پرچم نشانه حیات سیاسی و نظامی و قدرت است. در برپا بودن نماز نیز این امور مطرح است.

هنگام تولّد نوزاد، اذان گفتن در گوش او سفارش شده و نیز هنگام دفن مرده، نماز واجب شده است، هیچ عبادتی از لحظه تولّد تا لحظه مرگ، این چنین ملازم انسان نیست.

۱. سوره عنکبوت، ۴۵.

۲. کنز العمال، حدیث ۱۸۸۷۰.

امام رضا 7 و اهمیت نماز

امام رضا 7 مشغول نوشتن بود؛ همین که صدای اذان بلند شد، قلم را به زمین گذاشت و حاضر نشد حتی با نوشتن چند کلمه، نامه را تمام کند!

امام رضا 7 جلسه مهمی با رهبر صابئین داشت. بحث به اینجا رسید که او گفت: «فَقَدْ رَقَّ قَلْبِي»؛ یعنی: الان دل من برای پذیرفتن حرف امام 7 نرم شد. در این هنگام صدای اذان بلند شد. امام 7 فرمود: اول نماز، بعد گفتگو. امام 7 با این حرکت ثابت کرد اهمیت نماز از مهم‌ترین جلسات تاریخی هم بالاتر است و حتی این جلسات هم باید به هنگام نماز تعطیل شود.^۱

۱. توحید صدوق، ص ۴۳۵.

چرا نماز بخوانیم؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت انسان، اسیر محبت دیگران است و نعمت و نیکی، انسان را به مقام سپاس و تشکر می‌کشید.

اگر کسی نعمتی به ما بخشید و احسانی در حق ما کرد، با زبان و عمل، سپاسگزار او می‌شویم.

ما بنده خداییم و غرق در نعمت‌های او، پس در هر نفسی، نه یک نعمت بلکه صدها نعمت موجود است و بر این نعمت‌ها نه یک شکر، بلکه هزاران شکر لازم است.

کافی است که اندکی چشم بصیرت بگشائیم و ببینیم لطف و فضل خدا را درباره خودمان، آنگاه خواهی‌نخواهی سپاس او خواهیم گفت.

نماز، نوعی سپاس از نعمت‌های فراوان و بی‌شمار اوست.

خداوند، به ما هستی بخشید. آنچه برای زندگی مادی و معنوی لازم داشتیم، عطا کرد. هوش و عقل و استعدادمان داد. قطرات باران، برگ درختان، ماهیان دریا، پرندگان آسمان، نور خورشید و هدایت عقل و ولایت پاکان و راهنمایی وجدان را جهت سعادت ما ارزانی داشت.

اعضایی متناسب، قوایی مفید، مربیانی دلسوز، طبیعتی رام و مسخر برای ما قرار داد، تا با او بیشتر آشنا باشیم.

خداوند به ما عقل و جان و اراده و فکر و استعداد بخشیده، در راه زندگی، راهنمایی برای سعادت‌مندی ما فرستاده، هستی و حیات ما، در دست اوست.

او خالق است و ما بنده و مخلوق او.

او بی‌نیاز و تواناست، ما بنده‌ای نیازمند و ناتوان و محدود و ناچیز.

اگر لب ما نرم نبود، توان سخن گفتن نداشتیم. اگر انگشت شصت نداشتیم، حتی دکمه یقه خود را نمی‌توانستیم ببندیم.

اگر آب‌ها، شور و تلخ بود، درختان نمی‌رویدند.
 اگر زمین جاذبه نداشت،
 اگر فاصله خورشید به ما نزدیک‌تر بود،
 اگر هنگام تولد، مکیدن را نمی‌دانستیم،
 اگر قدرت نطق و گویایی نداشتیم،
 اگر چشم‌مان نابینا بود،
 اگر از موهبت عقل بی‌بهره بودیم ... و
 هزاران اگر دیگر. به تعبیر قرآن، نعمت‌های الهی،
 قابل شمارش نیست.

آیا این همه نعمت، تشکر لازم ندارد؟ آیا
 بی‌انصافی و حق‌ناشناسی نیست که انسان، غرق
 نعمت‌های خدا باشد ولی حالت سپاس به درگاه
 صاحب نعمت نداشته باشد؟

نماز، تشکر از خداست که ولی نعمت ماست،
 هرچه داریم از اوست.

البته این سپاس، برای خدا سودی ندارد، بلکه
 برای خودمان مفید است و نشان معرفت ماست.
 همچنان که تشکر یک دانش‌آموز از معلم، بیانگر

کمال و رشد فکری اوست و از تشکر او چیزی عاید معلّم نمی‌شود.

پس اگر بندگی خدا نکنیم و مطیع فرمانش نباشیم و از آئین آسمانی و جاوید او پیروی نکنیم، هم ناسپاسی کرده‌ایم، هم از رحمت او دور می‌شویم و هم غفلت خود را از هدف زندگی و شناختن صاحب نعمت، نشان داده‌ایم. آنکه خدا را بندگی نکند، به بند شیطان و دام ابلیس‌ها و طاغوت‌ها و قدرت‌های ضدّ خدایی می‌افتد. بندگی خدا، انسان را چنان عزیز می‌کند که از بردگی قدرت‌های جبار، رها می‌سازد.

برخورد با یک شخصیت برجسته، انسان را به تواضع وا می‌دارد، دیدار با یک دانشمند بزرگ، آدمی را به تکریم و احترام وا می‌دارد، چون که انسان در برابر عظمت و دانش آن شخصیت و این دانشمند، خود را کوچک و کم سواد می‌بیند. خداوند، مبدأ همه عظمت‌ها و جلال‌هاست. شناخت خدا به عظمت و بزرگی، انسان ناتوان و حقیر را به کُرنش و تعظیم در برابر او وامی‌دارد.

روح عبادت در فطرت انسان نهفته است و اگر درست رهبری نشود به عبادت بت و طاغوت می‌گراید. مثل میل به غذا که در هر کودکی هست، ولی اگر راهنمایی نشود، کودک خاک می‌خورد و لذت هم می‌برد. بدون هدایت صحیح این گرایش فطری نیز، انسان به عشق‌های زودگذر پوچ یا پرستش‌های بی‌محتوای انحرافی دچار می‌شود.

کودک مادامی که دستش در دست پدری قوی و مهربان است احساس قدرت می‌کند، اما اگر تنها شود هر لحظه ترس و دلهره دارد که دیگران او را آزار دهند. انسانی که متصل به خدا شد، در برابر ابرقدرت‌ها و طاغوت‌ها و مستکبرین احساس قدرت می‌کند.

یکی دیگر از دلایل خواندن نماز، رسیدن به آرامش است. تنها مشکلی که دنیای علم و صنعت امروز آن را حل نکرده، مشکل آرامش روحی است. هر روز آمار بیماری‌های روانی و مصرف قرص اعصاب زیاد می‌شود. هیچ چیز به انسان آرامش

نمی‌دهد جز یاد خدا و ایمان و انس و عشق و توکل به او.

آری نماز یاد خداست و فقط با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

افرادی را می‌شناسیم که دارای قدرت، مال و علم هستند، اما آرامش لازم را ندارند. در مقابل، افرادی تهی‌دست هستند که به خاطر ایمان به سرچشمه هستی دارای قلبی آرامند، دید و بینش و اعتقاد خاصی دارند که حوادث تلخ و شیرین را می‌پذیرند و برای آن‌ها تحلیل منطقی دارند.

آری با یاد خداوند دل‌ها آرام می‌گیرد و بهترین یاد خدا همان نماز است، کمبود امروز بشر علم و تخصص نیست، بلکه دل آرام است. نه فرعون‌ها و ابرقدرت‌ها دل آرام دارند، نه قارون‌ها، و نه ابولهب‌ها، و نه منافقان چند چهره.

تنها رهبری را که ما در زمان خودمان دارای دل آرام دیدیم، حضرت امام خمینی 1 بود که روز ۱۲ بهمن ۵۷ وقتی در هواپیما نشست تا به ایران

بیاید، خبرنگار از او پرسید چه احساسی دارید؟
فرمود: هیچ.

با اینکه هنوز نظام شاهنشاهی سر پا بود و
احتمال سرنگونی هواپیما داده می‌شد.
در وصیت‌نامه خود نیز نوشت من با قلبی آرام
به سوی خدا می‌روم. این دل آرام از زور و پول و
مقام نیست، از پیوند با خداست که بهترین نوع آن
نماز است.

چگونه عبادت کنیم؟

مگر نه اینکه نشانی هر خانه را باید از صاحب خانه گرفت؟ و مگر نه اینکه در هر ضیافت و مهمانی، باید نظر میزبان را مراعات کرد؟ عبادت، حضور در برابر آفریدگار است و نشستن بر سر مائده‌های معنوی که او برای «بندگان» خود فراهم کرده است.

پس، چگونگی عبادت را هم از او باید فراگرفت و به دستور او عمل کرد و دید که او چه چیز را عبادت دانسته و عبادت را به چه صورت از ما طلبیده است؟ بهترین عبادت‌ها آن است که:

۱. آگاهانه باشد

دو رکعت نماز انسان آگاه و دانا، از هفتاد رکعت نماز شخص نادان برتر است و عبادت کننده ناآگاه،

همچون الاغ آسیاب است که می‌چرخد ولی پیش نمی‌رود.

۲. عاشقانه باشد

آنچه موجب نشاط روح در عبادت می‌شود و عابد از پرستش خود لذت می‌برد، عشق به الله و شوق به گفت‌وگویی با اوست.

آنان که از عبادت لذت نمی‌برند، همچون بیمارانی هستند که از غذای لذیذ، لذت نمی‌برند.

۳. خالصانه باشد

هیچ چیز همچون «ریا» و خودنمایی و مردم فریبی، آفت عبادت نیست. از طرف دیگر، هیچ چیز چون خلوص، ارزش آفرین عبادت و نماز نیست.

۴. خاشعانه باشد

خشوع، حالت قلبی انسان در عبادت و نتیجه توجه کامل به مقام بندگی در آستان الهی است. قرآن در توصیف مؤمنان و عبادتشان می‌فرماید:

«الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»^۱ در نمازشان خاشع‌اند.

این حالت، محصول آن توجه است. در حدیث می‌خوانیم:

«اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ»^۲ خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می‌بینی.

«فَصَلِّ لِقَائِهَا صَلَاةً مُّوَدَّعًا»^۳ چنان نماز را در وقت خودش بخوان که گویا آخرین نماز است. یعنی همواره این حالت را داشتن که گویا فقط برای همین یک نماز، فرصت باقی است.

۱. مؤمنون، ۲.

۲. مصباح‌الشریعه، ص ۸.

۳. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۳.

معنای اقامه کردن نماز

کلمه اقامه مربوط به یک شرایط، امکانات، بسیج، نشاط، حضور، آگاهی و مانند آن است. همان‌گونه که اثر بخشی نسخه پزشک زمانی است که انسان به تمام آزمایشات و تمام دستورات توجه داشته باشد، وگرنه اگر قرصی را بخورد و کپسولش را نخورد، یا به آزمایش‌های خود توجه نداشته باشد، درمان نتیجه‌بخش نیست.

آری؛ اثربخشی نماز نیز هنگامی است که دقیق، به هنگام، درست، با توجه به انجام کامل واجبات، توجه به مستحبات و توجه به شرایط قبولی باشد. کسی که تاریخ کربلا و مظلومیت امام حسین 7 و اصحابش را در خانه می‌خواند و اشک می‌ریزد با کسی که در بیرون خانه عزاداری می‌کند، تفاوت

زیادی دارد. اقامه عزاداری به شرایط ویژه‌ای نیازمند است.

قرآن ما را سفارش به حفظ نماز کرده است و در این باره می‌فرماید: «عَلِي صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ». مسأله حفاظت از نماز مکرر در قرآن آمده است؛ یک بار با تعبیر «حافظوا» و سه بار با تعبیر «يحافظون» آمده است. از همین قالب «يحافظون» استفاده می‌شود که هم ما باید نماز را حفظ کنیم و هم نماز ما را حفظ می‌کند. در حدیث آمده است که نماز به افرادی می‌گوید: «حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ»؛ یعنی مرا حفظ کردی، خدا تو را حفظ کند و به افرادی می‌گوید: «صَيَّعْتَنِي صَيَّعَكَ اللَّهُ»؛ ضایعم کردی، خدا ضایعت کند.

در حدیث دیگری می‌خوانیم: به همان اندازه که در نماز حضور قلب داریم، به همان اندازه از ما پذیرفته می‌شود، همان طور که از میوه آن مقدار قابل استفاده می‌باشد که سالم است.

نماز جماعت

اصل در نماز، به جماعت خواندن است. در نماز جماعت، با مردم، در مردم و از مردم بودن مطرح است، در کنار مردم بدون هیچ‌گونه امتیاز، از هر نژاد و اقلیم و در هر شرایط اقتصادی.

نماز جماعت بدون امام نمی‌شود، چنانکه جامعه بدون رهبر نمی‌شود. امام برای همه مردم به طور یکسان امام است، نه برای گروه خاص. فقیر و غنی و زشت و زیبا در کنار هم قرار می‌گیرند، باید امتیازات پوچ با نماز جماعت از جامعه حذف شود، اگر امام در نماز اشتباه کرد مردم به او هشدار می‌دهند، یعنی در نظام اسلامی امام و امت باید مراقب یکدیگر باشند.

امام جماعت باید مراعات ضعیف‌ترین مردم را بکند و نماز را طول ندهد و این خود درسی است

که مسئولین باید در برنامه‌ریزی‌ها و حرکتهای
توجه به همه اقشار داشته باشند.

در نماز جماعت مردم نباید از امام جلو بیفتند و
این درس دیگری است که نشانه نظام و ادب
می‌باشد.

اگر از امام جماعت گناه بزرگی سر زد و مردم
فهمیدند، باید کنار رود. یعنی مردم و جامعه را نباید
بدست فاسق سپرد.

در نماز جماعت همه با هم به خاک افتاده و
سجده می‌کنیم آری باید همه با هم باشیم.

در نماز جماعت همه مردم می‌توانند با کسب
علم و تقوی و محبوبیت امام شوند، پیشنمازی ارث
کسی نیست، هر کسی در کمالات برتر شد در
جامعه آقاست.

رعایت ادب در نماز

در اسلام به ما سفارش شده که در نماز با ادب بایستیم، دست‌ها روی ران‌ها، بدن آرام، نگاه‌ها به محل سجده، لباس‌ها نو و تمیز، همراه با بوی خوش و معطر. اگر با جماعت هستیم از سایرین جلو و عقب نیفتیم و خود را هماهنگ دیگران و مردم کنیم، مقام امام را نگهداریم، قبل از او کاری انجام ندهیم، به رکوع یا سجود نرویم و بهتر است حتی قبل از کلام امام، ذکر نماز را به زبان جاری نکنیم. مجموعه این دستورات عمل‌ها روحیه ادب و اطاعت را در انسان تقویت می‌کند، آن هم ادبی بر اساس ارزش‌هایی چون: شناخت، محبت، تواضع و ادب در برابر کسی که اهلیت دارد، نه تملق و نه خودباختگی.

در حدیث است: کسی که سجده نماز را با
سرعت انجام می‌داد، حضرت رسول 6 فرمود: گویا
کلاغی نوک به زمین می‌زند.^۱

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۵.

مصادیق سبک شمردن نماز

بعضی نماز را نمی‌شناسند؛
بعضی آن را بلد نیستند؛
بعضی شرایط صحیح بودن آن را نمی‌دانند؛
بعضی شرایط قبول شدن نماز را نمی‌دانند؛
بعضی شرایط کمال آن را نمی‌دانند؛
بعضی نماز را در اول وقت نمی‌خوانند؛
بعضی نسبت به نماز فرزندان‌شان توصیه‌ای ندارند؛
بعضی نسبت به صدای اذان بی‌اعتنا هستند؛
بعضی باعجله می‌خوانند که سجده آنان در
روایات به نوک زدن کلاغ تشبیه شده است؛
بعضی هر چیز دیگر را بر نماز ترجیح می‌دهند
(ورزش، فیلم، غذا خوردن، گفتگو، عروسی و...)
بعضی اگر در ماشینی نشسته باشند و وسیله‌ای
از او به بیرون پرت شود، فریاد می‌زند تا ماشین را

متوقف کنند؛ ولی اگر وقت نماز برسد، هیچ‌گونه
تحرکی از خود نشان نمی‌دهد!

چه بسیار نمازهایی که به خاطر عروسی‌ها یا
عزاداری‌ها، یا رها می‌شود یا به آخر وقت موکول
می‌شود!

گاهی افرادی ایمان دارند، ولی به دلیل تنبلی و
تن‌پروری نماز را رها می‌کنند که این تن‌پروری در
هرکاری عامل رکورد سقوط است. در بعضی از
دعاها تن‌پروری اولین عیب شمرده شده است:
«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ»

این تن‌پروری را می‌توان با دوستی با افراد
علاقمند و جاذبه‌های مختلف و حتی با نذر و عهد
و قسم و جریمه خود، از بین برد. اگر ما بدانیم
تنبلی و تن‌پروری در رسیدن به هواپیما سبب
می‌شود که ما به مقصد نرسیم، هرگز در راه
رسیدن به فرودگاه از خود کسالت نشان نمی‌دهیم.
اگر بدانیم تن‌پروری ما را از برکات زیادی باز
می‌دارد، حتماً به آن کارها اهتمام می‌ورزیم.

عواقب اعراض از یاد خدا و

سبک شمردن نماز

نماز ذکر خداست و کسی که از ذکر خداوند اعراض کند زندگی نکبت‌باری دارد: «مَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» «طه، ۱۲۴»

ممکن است بگوئید بسیاری اهل نماز نیستند ولی زندگی خوبی دارند، ولی باید به درون آن‌ها سری زد تا ببینیم آیا صفا و آرامش لازم را دارند یا نه؟ در مشکلاتی که برای آن‌ها پیش می‌آید چقدر دستپاچه می‌شوند و خودشان را می‌بازند؟ باقی انسان‌ها را با چه دیدی می‌نگرند؟ تقوی و عدالت چه جایگاهی نزدشان دارد؟

روحشان به چه چیز وابسته است؟ به آینده خود چقدر اطمینان دارند؟ اضطراب و هیجان‌های روانی، تزلزل خانوادگی، ضعف اعصاب، بدگمانی، احساس

غربت و تنهایی از درون، فساد و فحشاء، آمار جنایت، فرار فرزندان از خانه، بالا بودن آمار طلاق، خودباختگی، ترس و ... در جامعه بی‌نماز بیشتر است یا با نماز؟

یادگیری تلفظ صحیح حروف در نماز

مطابق فتوای همه مراجع تقلید عظام، رعایت مخارج حروف زبان عربی در خواندن نماز، واجب می‌باشد و بر همه لازم است که آن را یاد بگیرند. اگر این مخارج حروف رعایت نشود معنای کلمات تغییر می‌کند. به عنوان مثال:

«صل» به معنای درود فرستان است که اگر به صورت سل بگوییم معنای تسلیت گفتن پیدا می‌کند.

«ضالین» به معنای گمراهان است ولی اگر به صورت زالین تلفظ شود معنای لغزندگان پیدا می‌کند.

پس بر همه ما لازم است که با گذشتن وقت کمی در کنار روحانی مسجد یا کسی که قاری قرآن است و یا در مدرسه صحیح خواندن حروف

نماز را فرا بگیریم تا بتوانیم یک عمر با خداوند زیبا و صحیح صحبت کنیم.

اگر به ما گفته شود که باید در برابر یک مدیر یا انسان بزرگی سخنرانی کنی ما چقدر وقت می‌گذاریم و کلمات را صحیح و شمرده ادا می‌کنیم.

نماز نیز ایستادن در برابر خداوند بزرگ و صحبت با اوست پس شایسته نیست که در برابر او کلمات نماز را درست ادا نکنیم و نمازمان را غلط بخوانیم.

پاسخ به چند سؤال

۱. مگر خداوند به تشکر ما نیاز دارد؟

هرگز! قدردانی از یک لطف، ارزشی برای ماست و نشانه انصاف ماست، نه اینکه نشان نیاز خدا به نماز ما باشد، اگر معلّمی به شاگردش گفت: از زحمات من قدردانی کنید و خوب درس بخوانید، شاگرد نباید خیال کند که خوب درس خواندن او و قدردانی، مورد نیاز معلّم است، بلکه کمال شاگرد را می‌رساند.

اگر همه مردم رو به خورشید خانه بسازند چیزی به خورشید اضافه نمی‌شود و اگر همه مردم پشت به خورشید خانه بسازند، چیزی از خورشید کم نمی‌شود.

خورشید نیازی به مردم ندارد که رو به او کنند، این مردم هستند که برای دریافت نور و گرما باید

خانه‌های خود را رو به خورشید بسازند. خداوند به عبادات مردم نیازی ندارد که فرمان داده نماز بخوانند. این مردم هستند که با رو کردن به او از الطاف خاص الهی برخوردار می‌شوند و رشد می‌کنند.

۲. اگر بناست از نعمت‌های الهی تشکر کنیم، چرا حتماً نماز بخوانیم؟

وقتی اصل لزوم تشکر را قبول کردیم، چگونگی آن باید طبق دستور باشد. وقتی مراجعه بیماری به پزشک، ضروری تشخیص داده شد، چگونگی مصرف دارو، تابع دستور پزشک است. برای اینکه در تشکرها سردرگم نشویم و یاوه نگوییم، باید طبق خواسته خدا سپاس انجام دهیم. یک خلبان، همین‌که پرواز را پذیرفت، در هر کجای دنیا که خواست؛ با برج مراقبت تماس بگیرد، باید به زبان انگلیسی سخن بگوید. پس نحوه تشکر را باید از دستور الهی و اولیاء خدا فرا بگیریم.

۳. تشکر در برابر نعمت‌ها درست، ولی آنکه در میان ناگواری‌ها زندگی می‌کند، او چرا باید تشکر کند؟

اولاً: بیشتر ناراحتی‌ها به دست خود ما فراهم می‌آید، مثلاً با رعایت نکردن بهداشت، مریض می‌شویم و با درس نخواندن و تنبلی، دچار رکود در زندگی می‌گردیم، در انتخاب دوست، دقت نمی‌کنیم، گرفتار می‌شویم و ...

ثانیاً: ناگواری‌ها هم خوب است، چرا که انسان را به تلاش وامی‌دارد و استعدادها را شکوفا می‌سازد.

ثالثاً: تلخی‌ها را باید در کنار شیرینی‌ها حساب کرد و بلاها را در کنار نعمت‌های بیشمار دید.
رابعاً: گاهی سختی‌ها و بلاها، باعث کمال روح و صیقل خوردن جان و سبب ترقی معنوی می‌شود و دلها از غیرخدا بریده، به او متوجه می‌شود.

۴. دلیل تقلید از مراجع دینی چیست؟

تقلید و تعبد، برخاسته از عقل و علم است؛ زیرا عقل و علم می‌گوید: هرچه را نمی‌دانی، پیرس و

هرچه کارشناس امین گفت، بدون چون و چرا عمل کن.

تقلید و تعبد در اسلام به معنای کر شو، کور شو و اطاعت کن نیست؛ بلکه به معنای رجوع به کارشناس است که تمام عقلای دنیا همین عمل را انجام می‌دهند؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون» «نحل، ۴۳» حتی مراجع تقلید، همین که بیمار می‌شوند، به پزشک مراجعه می‌کنند و از دستورات او بدون چون و چرا اطاعت می‌کنند.

بنابراین، عقل می‌گوید: انسان باید هرچه را نمی‌داند از سرچشمه علمی بپرسد، لیکن اسلام برای کارشناس دین شروطی را علاوه بر تخصص و کارشناسی قرار داده است که عبارتند از:

۱. تقوا، ۲. دوری از هوا و هوس، ۳. اعلم بودن.

۵. چرا باید نماز را به زبان عربی بخوانیم؟

داشتن زبان واحد یک ارزش است. همانگونه که تمام خلبان‌های دنیا با تمام فرودگاه‌ها به زبان

انگلیسی صحبت می‌کنند خداوند نیز خواسته است تا مسلمان در کلمات نماز با هم مشترک باشند و همه با این زبان نماز بخوانند علاوه بر اینکه زبان عربی ویژگی‌هایی دارد که دیگر زبان‌ها آن را ندارند.

۶. چرا باید رو به قبله نماز می‌خوانیم؟

قبله رمز استقلال ما است. یهودی‌ها و مسیحی‌ها هر کدام قبله‌ای دارند و اگر ما به سمت قبله هر کدام از آنان بایستیم جزء حزب آنان خواهیم بود به همین دلیل قرآن می‌فرماید: قبله‌ی شما مستقل شد تا دیگران (یهودی‌ها و مسیحی‌ها) بر شما حجتی نداشته باشند و بگویند رو به قبله ما هستی. «لَيْلًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةً» (بقره: ۱۵۰)

همچنین کعبه به خاطر حضرت ابراهیم و اسماعیل دارای قداست بیشتری است.

۷. دلیل تکرار نماز در هر شبانه روز چیست؟

تکرار نماز در هر شبانه روز، برای آن است که هر روز گامی به خداوند نزدیک شویم. کسی که از پله‌های نردبان بالا می‌رود، در ظاهر، پای او کاری تکراری انجام می‌دهد ولی در واقع در هر حرکت گامی به جلو و رو به بالا می‌گذارد. کسیکه برای حفر چاه کلنگ می‌زند، در ظاهر کاری تکراری می‌کند، ولی در واقع با هر حرکت، عمق چاه بیشتر می‌شود. انسان با هر بار نماز و ذکر و تلاوت آیه‌ای گامی به خدا نزدیک می‌شود تا آنجا که درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی» چنان به خدا نزدیک شد که به قدر دو کمان یا نزدیک‌تر شد.

۸. خدا که به همه محرم است، پس چرا در نماز، مردان و زنان باید خود را بپوشانند؟

همیشه پوشیدن لباس به خاطر محرم و نامحرمی نیست، بلکه گاهی پوشیدن لباس جنبه تکریم و ادب دارد. معمولاً افراد در خانه خود، لباس ساده می‌پوشند ولی وقتی مهمان وارد خانه

می‌شود، به احترام مهمان، لباس کامل و مناسب می‌پوشند و اگر قرار باشد در مجلس عروسی شرکت کنند، لباس کامل‌تری بر تن می‌کنند. این تغییر لباس‌ها، به خاطر ادب و احترام مهمانان مجالس است.

حضور در محضر خداوند در حال نماز نیز مقتضی پوشیدن لباس مناسب و کامل است.

۹. چرا وقتی که به تنهایی و فرادی نیز نماز می‌خوانیم، از کلمات و جملاتی که نشانه‌ی «جمع» است، استفاده می‌کنیم؟ مثلاً می‌گوییم: «نعبد، نستعین، إهدنا، علینا»

شاید به این دلیل است که اصل و فلسفه‌ی نماز، جماعت است و فرادی و تنهایی نماز خواندن، باید یک استثناء باشد و ممکن است به این دلیل باشد که هر انسانی باید چشم اندازی به جامعه خود داشته باشد و آنچه را برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز بخواهد و از تک‌روی و جدایی از مردم جلوگیری می‌کند و یا این که هر انسانی خود را به منزله‌ی نماینده‌ی تمام مسلمانان بداند.

۱۰. چگونه قبولی تمام کارها، مشروط به قبولی یک عمل همچون نماز می‌شود؟

پلیس راهی را در نظر بگیرید که از راننده‌ای گواهینامه رانندگی مطالبه می‌کند. اگر راننده، گواهینامه پزشکی، گذرنامه سیاسی، پروانه ساختمان، کارت بازرگانی و اجازه اجتهاد و یا هر مدرک دیگری به او نشان دهد، پلیس از او نمی‌پذیرد و تنها اگر گواهینامه رانندگی داشت اجازه عبور می‌دهد و گرنه مانع او می‌شود. در قیامت نیز شرط رسیدن به مقصد، گواهینامه نماز است که اگر نباشد، هیچ عملی مورد قبول و نجات‌بخش نیست.

۱۱. چرا کشورهای نمازگزار در علم و صنعت و اقتصاد عقب هستند؟

برای پاسخ به این سؤال به این مثال توجه کنید:
شما سه میوه سیب، انار و انگور را فرض کنید. هر کدام یک اثر، مزه، خاصیت و ویتامینی دارد. حال اگر کسی میوه‌ای را بخورد و توقع اثر و

مزه و خاصیت و ویتامین میوه دیگری را داشته باشد توقعش غلط است. اگر کسی یک کیلو سیب بخرد و بعد از چند روز این سیب را ببرد و به آقای میوه فروش پس بدهد و بگوید این سیب شما خوب نبود، برای اینکه من هرچه سیب را می‌خورم مزه انگور نمی‌دهد، این بقال نگاهی به او می‌کند و به آن شاگردش می‌گوید که این مشتری دیوانه است چون از سیب توقع مزه انگور را دارد. این مثال خیلی روشن است. در اسلام نیز برنامه‌های مختلفی است که هر کدام اثر و خاصیت خودش را دارد. ما هم برنامه نماز داریم هم برنامه تحصیل و هم برنامه کار. اثر نماز، یاد خدا و تشکر از اوست «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه: ۱۴)، «اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ» (بقره: ۲۱) اثر تحصیل هم پیشرفت، اختراع و اکتشاف است. اثر کار هم پیشرفت اقتصادی است. حال اگر کسی بپرسد که چرا نمازخوان‌ها مخترع نشده‌اند؟ مثل این است که بگوییم سیب چرا مزه انار نمی‌دهد، شما اگر خواستی مخترع بشوی باید بروی دنبال درس.

قرآن نگفته است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِتَخْتَرَع» نماز بخوان تا مخترع بشوی، گفته است «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» نماز نقش خودش را دارد و اختراع و تحصیل هم نقش خودش را دارد، حساب اینها را باید از هم جدا کنیم.

علاوه بر اینکه، در بسیاری از علوم مسلمانها نابغه بوده‌اند و اختراعاتی داشته‌اند و در تاریخ اسلام افرادی مانند بوعلی سینا، رازی، جابرین حیان و ... کم نیستند.

۱۲. چگونه پاداش بعضی اعمال انسان، از حساب و شماره می‌گذرد؟

بر اساس روایات، تعداد نفرات در نماز جماعت هرچه بیشتر باشد، ثواب نماز بیشتر می‌شود؛ تا آنکه عدد افراد حاضر در نماز جماعت، به ده نفر برسد که در این صورت پاداش آن بی‌شمار شده و کسی جز خداوند نمی‌داند.

چنانکه انسان، با یک انگشت می‌تواند شماره تلفن بگیرد، با دو انگشت می‌تواند سطل کوچکی

را بلند کند، با سه انگشت کار بیشتری انجام می‌دهد، تا اینکه به ده انگشت برسد که در این صورت، دیگر کار انسان محدودیت ندارد و هرکاری بخواهد می‌تواند با این ده انگشت انجام دهد و نوع کارهایش قابل حساب و شماره نیست.

۱۳. آیا حضور در نماز جماعت، نوعی مطرح کردن خود و ریا و تظاهر نیست؟

اولاً هر خودنمایی و تظاهری حرام نیست. زن و مرد که خود را برای یکدیگر آرایش می‌کنند، برای تظاهر است و همین تظاهر عبادت است. سفارش اسلام به حضور در مسجد برای نماز، نوعی تظاهر است، اما تظاهر برای تعظیم شعائر دینی.

عزاداری برای امام حسین 7 با حضور در خیابان‌ها، تظاهری است که در آن عبادت نهفته است.

ثانیاً شرکت بعضی افراد در مساجد و محافل، یک نوع تبلیغ و تشویق عملی برای دیگران است.

اگر مسئولین به مسجد محله بروند، مردم عادی نیز خواهند آمد.

تظاهر و ریا آنجا حرام است که هدف، مطرح کردن خود باشد، نه مطرح کردن کار. یعنی اگر در جایی شرکت کنیم که نشان دهیم انسان نیکوکار و خوبی هستیم، این ریا و حرام است، اما اگر هدف ما از حضور در مراسم این باشد که به مردم بگوییم: «من آمدم، شما هم بیایید»، این تبلیغ عملی است و حتی پاداش و ثواب دارد.

۱۴. از کجا بفهمیم نمازمان قبول شده است یا نه؟

امام صادق 7 در پاسخ به این سؤال می‌فرماید:
 «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَ قُبِلَتْ صَلَاتُهُ ام لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ فَيَقْدِرْ مَا مَنَعَتْهُ قُبِلَتْ مِنْهُ»^۱ هر کس می‌خواهد بداند آیا نمازش قبول شده یا نه، بنگرد که آیا نمازش، او را از گناهان و زشتی‌ها باز داشته یا نه؟ به هر قدر، که نمازش، او

۱. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۰.

را از بدی‌ها بازداشته، به همان قدر، نمازش پذیرفته شده است!

۱۵. حفظ نماز به چیست؟

حفظ هر چیزی باید مناسب با خودش باشد؛ حفظ مال از دست برد دزد است، حفظ بدن از میکرب است، حفظ روح از آفات اخلاقی نظیر حرص، حسد و تکبر است و حفظ فرزند از دوست بد می‌باشد. اما حفظ نماز، آشنایی با اسرار آن، انجام به موقع آن، صحیح بجا آوردن، فراگرفتن احکام و آداب آن و حفظ مراکز عبادت و تمرکز فکر به هنگام آن است.

۱۶. چگونه می‌توان از نماز برای حل مشکلات کمک گرفت؟

پاسخ: خداوند در آیه ۱۵۳ سوره بقره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر حوادث سخت زندگی)، از صبر و نماز کمک بگیرید، همانا خداوند با صابران

است. همان‌گونه که کودک به هنگام سختی‌ها به والدین خود پناهنده می‌شود و آنان را صدا می‌زند، انسان نیز در مقابل هر مشکلی به سراغ قدرت بی‌نهایت خداوند می‌رود. همان‌گونه که اگر کودک دست خود را در دست والدین گذاشت آرامش پیدا می‌کند، انسان نیز با نماز به یاد خدا افتاده و آرامش پیدا می‌کند، آری نماز اهرم است، بار نیست.

۱۷. چگونه نماز، فرد و جامعه را از فحشاء و منکر باز می‌دارد؟

۱. ریشه‌ی تمام منکرات غفلت است و خداوند در آیه ۱۷۹ سوره‌ی اعراف، انسان غافل را از حیوان بدتر شمرده است. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» و بر طبق آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِيَذْكُرِي»^۱ نماز یاد خدا و بهترین وسیله‌ی غفلت‌زدایی است، پس زمینه‌ی منکرات را از بین می‌برد.

۱. طه، ۱۴.

۲. اقامه‌ی نماز و داشتن رنگ الهی، مانع گرفتن رنگ شیطانی است. چنان که کسی که لباس سفید بپوشد، حاضر نیست در جای کثیف و آلوده بنشیند.

۳. در کنار نماز، معمولاً توصیه به زکات شده است، که فرد را از منکر بخل و بی‌تفاوتی در برابر محرومان و جامعه را از منکر فقر که زمینه‌ی رویکرد به منکرات است، رها می‌سازد.

۴. نماز، دارای احکام و دستوراتی است که رعایت هر یک از آنها انسان را از بسیاری گناهان باز می‌دارد، مثلاً:

شرط حلال بودن مکان و لباس نمازگزار، انسان را از تجاوز به حقوق دیگران باز می‌دارد. رعایت شرط پاک بودن آب وضو، مکان، لباس و بدن نمازگزار، انسان را از آلودگی و بی‌مبالاتی دور می‌کند.

شرط اخلاص، انسان را از منکر شرک، ریا و سُمعه باز می‌دارد.

شرط قبله، انسان را از منکر بی‌هدفی و به هر سو توجّه کردن باز می‌دارد.

رکوع و سجده، انسان را از منکر تکبر باز می‌دارد.

توجّه به پوشش مناسب در نماز، انسان را از منکر برهنگی و بی‌حیایی حفظ می‌کند.

توجّه به عدالت امام جماعت، سبب دوری افراد از فسق و خلاف می‌شود.

نماز جماعت، انسان را از گوشه‌گیری نابجا نجات می‌دهد.

۵. احکام و شرایط نماز جماعت، بسیاری از ارزش‌ها را زنده می‌کند از جمله: مردمی بودن، جلو نیافتادن از رهبر، عقب نماندن از جامعه، سکوت در برابر سخن حقّ امام جماعت، نظم و انضباط، ارزش‌گذاری نسبت به انسان‌های با تقوا، دوری از تفرقه، دوری از گرایش‌های مذموم نژادی، اقلیمی، سیاسی و حضور در صحنه که ترک هر یک از آنها، منکر است.

۱۸. اگر نماز انسان را از فحشاء و منکر باز می‌دارد پس چرا عده‌ای با وجود اینکه نماز می‌خوانند باز گناه می‌کنند؟

پاسخ ۱: تخمه پوک، هیچ گاه سبز نمی‌شود و نماز بدون حضور قلب، تخمه پوک است. نمازی سبب دوری انسان از مفاسد می‌شود که با حضور قلب باشد وگرنه حرکت لب و کمر چنین خاصیتی را ندارد.

اگر مدرسه و دانشگاه به انسان رشد علمی می‌دهد به این معنا نیست که هرکس به مدرسه و دانشگاه رفت به آن رشد می‌رسد، بلکه به این معناست که مدرسه و دانشگاه بستر رشد است به شرط آنکه با جدیت درس بخوانید و آنچه را می‌خوانید بفهمید. نماز نیز اگر با اصول و شرایطی که دارد اقامه گردد، مانع فحشاء و منکر می‌شود.

پاسخ ۲: نمازگزاری که گاهی خلاف می‌کند، اگر اهل نماز نبود خلافتش بیشتر بود، زیرا همین نمازگزار برای صحیح بودن نمازش مجبور است بدن و لباسش پاک باشد، لباس و مکانش از مال

مردم نباشد و همین مقدار مراعات احکام و مسائل، سبب دور شدن او از برخی گناهان و منکرات می‌شود.

پاسخ ۳: جواب دیگر این است که آیه نمی‌گوید: «ان الصلاة تمنع عن الفحشا و المنکر» نمی‌گوید: نماز مانع است بلکه می‌گوید: «تنهی» یعنی مرتب نهی می‌کند که این کار را نکن بنابراین نماز دست انسان را نمی‌بندد تا نتواند گناه کند بلکه او را از انجام گناه نهی می‌کند و باز می‌دارد حال ممکن است انسان به این نهی توجه نکند البته هرچه انسان نمازش کامل‌تر باشد تأثیر این نهی در او بیشتر خواهد بود.

۱۹. آخرین سخن ما با کسی که دین را نمی‌پذیرد و نماز نمی‌خواند، چیست؟

برخی رانندگان، وسائلی را که احتمال می‌دهند در جاده مورد نیازشان باشد همراه خود برمی‌دارند، (از قبیل زنجیر چرخ، جک، چرخ اضافه، چراغ سیار) و بعضی بی‌خیال به جاده می‌روند، چیزی با

خود برنمی‌دارند. به هر حال، یا نیازی به این وسائل پیش می‌آید و یا پیش نمی‌آید. اگر نیازی نبود، راننده‌ای که آن‌ها را برداشته، ضرری نکرده فقط چند کیلو بار اضافه حمل کرده است ولی اگر به آن وسائل نیاز شد، کسی که آن‌ها را برنداشته در وسط جاده چه خواهد کرد؟

آری، شرط عقل آن است که انسان نسبت به حوادث احتمالی، پیش‌بینی لازم را بکند. بعد از این مثال به سراغ دین می‌رویم.

پیامبران از حساب و کتاب پس از مرگ در قیامت خبرهایی داده و دستوراتی داده‌اند. گروهی پذیرفته و گروهی منکر شده‌اند. کسانی که پذیرفته‌اند در شبانه‌روز چند دقیقه‌ای با خدا گفتگو کرده و نماز می‌خوانند. در سال چند روزی غذای ظهر را تا به غروب تأخیر انداخته و از انجام برخی کارها دوری کرده‌اند. بر فرض که حساب و کتابی در کار نباشد، چه ضرری کرده‌اند و چه چیزی را از دست داده‌اند؟ ولی کسانی که به ندای انبیاء گوش

ندادند، اگر با حساب دقیق خداوند برخورد کنند و دستشان خالی باشد، چه خواهند کرد؟

آری، عاقل کسی است که حتی اگر یقین به قیامت ندارد به خاطر حساب و کتاب، خود را آماده کند و هشدارهای انبیاء را جدی بگیرد.

هنگامی که فرعون تصمیم گرفت موسی 7 را بکشد، یکی از اطرافیان فرعون که ایمان خود را کتمان کرده بود گفت: آیا کسی را که می‌گویند پروردگار من الله است و دلائل روشنی برای شما آورده، می‌کشید؟ اگر دروغ بگویند به ضرر خودش خواهد بود (و کاری به حکومت شما ندارد) ولی اگر راست بگویند، آن قهر و عذابی را که به منکران وعده می‌دهد به شما خواهد رسید. «ان يك كاذباً فعليه كذبه و ان يك صادقاً يصبكم بعض الذي يعدكم».

چند خاطره

نماز اول وقت در حساس‌ترین وقت

حاج احمد آقا؛ می‌گفت: روز فرار شاه، مهمترین روز تاریخ بود. صدها خبرنگار در نوفل لوشاتو جمع شدند، امام خمینی 1 روی چهارپایه رفت و شروع به صحبت کرد. صحبت‌های امام هم مستقیم به تمام نقاط کره‌ی زمین مخابره می‌شد. چند دقیقه که امام صحبت کرد، یک مرتبه گفت: احمد! گفتم: بله آقا! گفت: ظهر شده است؟ گفتم: بله الان وقت نماز ظهر است. تا گفتم: الان وقت نماز ظهر است، اصلاً امام نگفت من دارم با کره‌ی زمین با چند صد خبرنگار صحبت می‌کنم و از چهارپایه پایین آمد و رفت تا نمازش را در اول وقت به جا آورد.

شرط برای تفریح

حضرت امام خمینی 1 در کنار درس و بحث به تفریح هم علاقه داشت. در جوانی روزهای جمعه با طلاب برای تفریح از شهر خارج می‌شدند، اما قبل از حرکت می‌فرمود: به چند شرط با شما بیرون می‌آیم:

۱. نماز را اول وقت بخوانیم.
۲. در تفریح از کسی غیبت نشود.

نماز اول وقت

در خدمت شهید بهشتی بودیم، عده‌ای از مهمانان خارجی هم حضور داشتند و ایشان گرم صحبت بودند. تا صدای اذان بلند شد، شهید بهشتی از حضار معذرت‌خواهی کرد و گوشه‌ای سجاده‌اش را انداخت و مشغول نماز شد.

شهید رجایی و نماز اول وقت

شهید رجایی در زمان ریاست جمهوری‌اش به اصفهان رفته بود و در پادگانی سخنرانی می‌کرد. ناگهان وسط سخنرانی صدای اذان از بیرون

پادگان آمد. شهید رجایی گفت: آقایان من از شما یک سؤال دارم. اگر از تهران تلفنی بشود و مثلاً امام با من کار داشته باشد آیا شما اجازه می‌دهید من گوشی را بردارم، جواب بدهم و بعد سخنرانی را ادامه بدهم؟ همه گفتند: بله، ایشان گفت: این صدای اذان تلفن خدا است که از همه تلفن‌ها مهم‌تر است پس بگذارید بروم نماز بخوانم و سپس سخنرانی را ادامه دهم.

نماز خواندن در سخت‌ترین شرایط

یک روز آقای ابوترابی که ده سال اسیر بود، گفت: من می‌خواهم چند دقیقه در اجلاس نماز صحبت کنم. گفت: آقایانی که در اجلاس نماز جمع شده‌اید ما نماز خواندیم نه شما! یک روز صدام دستور داد رهبران اسران را بگیرید و با شکنجه همه را اعدام کنید. دو نفر را چنان نگه داشتند، مشت به این طرف و آنطرف چشم او زدند، که چشم‌هایش روی موزاییک‌ها افتاد. دستور صدام عملی شد و آن‌ها رفتند. ما همه افتادیم.

تک تک نفس می‌کشیدیم منتظر مرگ بودیم. سپیده زد فکر کردیم سپیده‌ی صبح است. بلند شدیم دیدیم حال نداریم. همان در خون خودمان خوابیده نماز خواندیم. بعد دیدیم نه این صبح صادق نبوده، صبح کاذب بوده، بعد که سپیده زد فهمیدیم این صبح است. دو مرتبه نماز خواندیم. آقای ابوترابی گفت: آنروزی که چشم‌های ما از کاسه درآمد و میخ در سر ما کوبیدند ما دو بار نماز صبح خواندیم.

نماز اول وقت در اتاق ژنرال آمریکایی

شهید بابایی ماجرای فارغ التحصیلی از دانشکده خلبانی آمریکا را چنین تعریف کرده است: «دوره خلبانی ما در آمریکا پایان یافته بود، ولی به دلیل گزارش‌هایی که در پرونده خدمتم درج شده بود، تکلیفم روشن نبود و به من گواهینامه نمی‌دادند، تا این که روزی به دفتر مسئول دانشکده - که یک ژنرال آمریکایی بود - احضار شدم و به

اتاقش رفتیم و احترام گذاشتیم. او از من خواست که بنشینم. پرونده من در جلو او روی میز بود.

ژنرال آخرین فردی بود که باید نسبت به رد یا پذیرش اظهار نظر می‌کرد. او پرسش‌هایی کرد که من پاسخش را دادم. از پرسش‌های ژنرال برمی‌آمد که نظر خوشی نسبت به من ندارد. این دیدار ارتباط مستقیمی با آبروی من داشت، زیرا احساس می‌کردم که رنج دو سال دوری از خانواده و شوق برنامه‌هایی که برای زندگی آینده‌ام در دل داشتم، همه در یک لحظه در حال نابودی است و باید دست خالی و بدون دریافت گواهینامه خلبانی به ایران برگردم.

در همین فکر بودم که در اتاق به صدا درآمد و شخصی اجازه خواست تا داخل شود. او ضمن احترام از ژنرال خواست برای کار مهمی به بیرون از اتاق برود. با رفتن ژنرال، من لحظاتی را در اتاق تنها ماندم. به ساعت نگاه کردم، وقت نماز ظهر بود. با خود گفتم، کاش در اینجا نبودم و

می‌توانستم نماز را اول وقت بخوانم. انتظارم برای آمدن ژنرال طولانی شد.

گفتم که هیچ کار مهمی بالاتر از نماز نیست، همین جا نماز را می‌خوانم. انشاءالله تا نمازم تمام شود، او نخواهد آمد.

به گوشه‌ای از اتاق رفتم و روزنامه‌ای را که همراه داشتم، به زمین انداختم و مشغول نماز شدم. در حال خواندن نماز بودم که متوجه شدم ژنرال وارد اتاق شده است. با خود گفتم چه کنم؟ نماز را ادامه بدهم یا بشکنم؟ بالاخره گفتم، نمازم را ادامه می‌دهم، هرچه خدا بخواهد، همان خواهد شد. سرانجام نماز را تمام کردم و در حالی که روی صندلی می‌نشستم از ژنرال معذرت خواهی کردم.

ژنرال پس از چند لحظه سکوت نگاه معناداری به من کرد و گفت: چه می‌کردی؟ گفتم: عبادت می‌کردم. گفت: بیشتر توضیح بده. گفتم: در دین ما دستور بر این است که در ساعت‌های معین از شبانه‌روز باید با خداوند نیایش کنیم و در این ساعات زمان آن فرا رسیده بود. من هم از نبودن

شما در اتاق استفاده کردم و این واجب دینی را انجام دادم.

ژنرال با توضیحات من سری تکان داد و گفت: همه این مطالبی که در پرونده تو آمده مثل اینکه راجع به همین کارهاست. این طور نیست؟ پاسخ دادم: آری همین طور است. او لبخندی زد. از نوع نگاهش پیدا بود که از صداقت و پایبندی من به سنت و فرهنگ و رنگ نیاختنم در برابر تجدد جامعه آمریکا خوشش آمده است. با چهره‌ای بشاش، خودنوویس را از جیبش بیرون آورد و پرونده‌ام را امضا کرد. سپس با حالتی احترام آمیز از جا برخاست و دستش را به سوی من دراز کرد و گفت: به شما تبریک می‌گویم. شما قبول شدید. برای شما آرزوی موفقیت دارم. من هم متقابلاً از او تشکر کردم. احترام گذاشتم و از اتاق خارج شدم. آن روز به اولین محل خلوتی که رسیدم به پاس این نعمت بزرگی که خداوند به من داده بود، دو رکعت نماز شکر خواندم.

میوه، هرچه تازه‌تر بهتر

یکی از شهدا به نماز اول وقت عنایت ویژه‌ای داشت و با دوستانش نیز در این باره صحبت می‌کرد. او برای نشان دادن اهمیت نماز اول وقت این مثال را می‌زد که: وقتی می‌خواهیم میوه بخریم هر کس زودتر به مغازه میوه فروشی برسد می‌تواند میوه‌های تازه‌تر و درشت‌تر را برای خودش بردارد اما کسی که دیرتر رسید هر چند میوه نصیبش می‌شود اما کیفیت و آن میوه‌های تازه و رسیده و بزرگ را ندارد. خواندن نماز در اول وقت مثل این است که بتوانی خودت را زود به میوه‌فروشی برسانی و میوه‌های آبدار و حسابی را برای خودت برداری.

فرمانده‌ای که مکبر شد

شهید حسین خرازی فرمانده لشکر بود و هزاران نفر تحت امر او بودند. یک روز وقت اذان رفت جلوی نمازخانه. چند نفر در صف اول برایش جا بازکردند اما حاج حسین از آنان تشکر کرد و

رفت جلوتر و در میان بُهت همگان میکروفون را گرفت و ایستاد به مکبری.

همه از این کار او تعجب کردند اما این اقدام شهید خرازی درسی فراموش ناشدنی به همه نیروها داد و روحیه‌شان را دوچندان ساخت.

دعوت دیگران به نماز

مردی میانسال هر روز در نزدیکی مسجد جلوی مغازه اش می‌نشست اما هنگام اذان به مسجد نمی‌رفت. یکی از بچه‌های مسجد به نام سعید یک روز به طرفش رفت و با رعایت ادب به او سلام کرد و پرسید: ببخشید آقا ساعت چنده؟ مرد گفت دوازده و نیم.

مرد از سعید پرسید ساعت رو برای چی پرسیدی؟ او جواب داد می‌خواستم بدونم تا شروع نماز چقدر فرصت دارم.

مرد از سعید خوشش اومد. فردای آن روز هم سعید باز به سراغ آن مرد رفت و سلام کرد. مرد با دیدن او خوشحال شد و پاسخ سلامش را داد و

گفت باز می‌خواهی بدونی ساعت چنده؟ سعید گفت نه عموجان امروز اومدم حال شما را بپرسم. بعد هم به او گفت ببخشید عمو شما که همسایه مسجد هستید چرا موقع اذان به مسجد نمیاید؟ مرد از حرف‌های سعید متأثر شد و به سعید گفت صبر کن وضو بگیرم تا با هم به مسجد برویم. پای اون مرد به مسجد باز شد و بعد هم در مسجد مسئولیتی را پذیرفت تا جزء خادمان نماز شد.

ریا یا نمایش بندگی خدا

به آقای رسول خادم، قهرمان کشتی ایران گفتم: بعد از اینکه در امریکا بر حریف خود پیروز شدی حاضری یک سجده شکر بجا آوری؟ گفت: ریا نمی‌شود؟ گفتم: بعضی عبادت‌ها با تظاهر همراه است، مثل اذان و نماز جماعت، از طرفی آن ریایی حرام است که خودت را مطرح کنی، اما اگر ضعف و بندگی خود و بزرگی خدا را نشان دادی، آن هم بعد از پیروزی بر حریف خود و در کشور کفر، این دیگر ریا نیست و اگر در برابر صدها

دوربین و در نظر میلیون‌ها بیننده در دنیا نماز و عبادت و بندگی در برابر خدا را تبلیغ کنی بسیار اثر گذار خواهد بود و از هر تبلیغ و سخنرانی مؤثرتر است. او این کار را کرد و تأثیر بسیار خوبی بر جای گذاشت.

چرا نماز صبح دو رکعت است؟

یک روز جوانی از من پرسید چرا نماز صبح دو رکعت است؟ گفتم بلد نیستم، خدا گفته دو رکعت است. گفت: چطور می‌شود شما ندانید، گفتم: رشته تحصیلی شما چیست؟ گفت علوم طبیعی می‌خوانم. گفتم: برگ درخت انار باریک است و یا پهن؟ گفت باریک است. گفتم: برگ درخت انگور، گفت پهن است. گفتم: فلسفه اینکه برگ درخت انار باریک است چیست؟ گفت: نمی‌دانم. گفتم: حتماً یک رابطه‌ای میان این برگ و میوه انار هست، حتماً یک رابطه‌ای میان برگ درخت انگور و میوه انگور هست و علوم طبیعی هنوز این برگ و این رابطه را و رابطه‌ای که میان این میوه و

برگ هست را هنوز درک نکرده است. ما هم فلسفه خیلی از چیزها را نمی‌دانیم اما این دلیل نمی‌شود که آن را انکار کنیم.

در محضر خدا با کُت پاره

یکی از دوستان می‌گفت: با یک کت پاره نماز می‌خواندم. یک مرتبه زنگ منزل به صدا درآمد، تا فهمیدم مهمان کیست، نماز را با سرعت تمام کرده کُت را عوض کردم و با کت تمیز و قشنگ به استقبال مهمان رفتم. ناگهان خودم را سرزنش کردم و گفتم: ای وای بر من! در محضر خدا با کت پاره؛ نزد مردم با لباس نظیف و قشنگ! از این رفتارم خیلی خجالت کشیدم.